

مقام زن در آثارِ تاگور

سعیده امان*

ترجمه: خان محمد صادق جونپوری♦

تاگور مجموعه‌ای از اوصاف بود. او به یک وقت شاعر، داستان‌نویس، کارشناس آموزش و مصلح بود. او در شاعری شهرت جهانی حاصل کرد. کتاب او گیتانجلی جایزه نوبل دریافت نمود. تاگور در داستان‌های خود زندگی اجتماعی هند را به تصویر کشیده است. مسائلی که عامه مردم به خصوص زنان با آن درگیرند موضوع داستان‌های اوست. اینها مسائلی بودند که تاگور برای حلّ و فصل آنها سعی و تلاش می‌کرد. در حقیقت اجتماع هندی و حالت زار زنان و پستی آنها در جامعه تاگور را خیلی تحت تأثیر قرار داده بود شاید به همین علت عشق و محبت به زن در اکثر داستان‌های او آشکار است. او در جنگ علیه ازدواج کودکان، رفتار وحشیانه با دختران نابالغ، رسم سستی و ظلم به بیوه زنان داستان‌های خود را به عنوان اسلحه به کاربرد و سعی نمود تا زاویه دید جامعه را نسبت به این مسائل تغییر دهد. او در این موضوع چند داستان خیلی با اثر نوشت. به طور مثال از این داستان‌ها می‌توان نام برد: «کهودیتو پاشان»، «مونی هارا»، «گپت دهن»، «سمپتی» و «درستی‌دان» که به خاطر موضوع و داستان‌گویی خود در دنیای ادبیات خیلی مشهور شدند.

تاگور اولین نویسنده‌ای است که در داستان‌های خود به زنان جایگاه مناسبی داده است. اگرچه رابندرا نات به همه طبقات جامعه عشق می‌ورزید و از همه مسائل و

* پژوهشگر زبان فارسی، ادیب و شاعر اردو زبان.

♦ پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی در لکهنو (از متن اردو).

مشکلات انسان‌ها آگاه بود ولی مسائلی که در حال حاضر در جامعه مهم بودند توجه او را به خود جلب کردند. مشکلاتی که در جامعه وجود داشت باید حل می‌شد و

تمام زنانی که در داستان‌های
تاگور به تصویر کشیده شده‌اند
ستم‌دیده و مظلوم هستند.
اکثر آنها در حال قیام علیه این
رسوم ظالمانه هستند.

مخصوصاً تاگور از دیدن حالت زار زنان در خانواده‌های طبقه متوسط بنگالی یکه خورده بود. او در نوشته‌های خود این وضع را مورد انتقاد قرار داد. در آن زمان تاگور در بیشتر داستان‌های خود همین موضوع را در پیرایه‌های مختلف مطرح نمود.

در داستان «سمپتی» مرنمی یک دختر شیطان و بازیگوش ناگهان تبدیل به یک زن با وقار و محبوب می‌شود. این داستان را تاگور با ظرافت خاصی مطرح نموده است.

تاگور در داستان «درستی‌دان» زن کوری را به تصویر کشیده که شوهر خود را عاشقانه دوست دارد. از یک طرف در قلب او مهربانی و اعتماد به شوهر وجود دارد و از طرف دیگر نسبت به شوهر خود بدگمان است و شک دارد که شوهر به او بی‌وفایی می‌کند. او داستان را به خوبی پرورش می‌دهد و به‌انجام منطقی خود می‌رساند.

تاگور در داستان‌های خود فردیت زن را خیلی تحسین نموده است. در داستان‌های او آواز مخالفت با رسم جهیزیه، محدودیت‌های نسلی و نجس بودن شنیده می‌شود. تمام زنانی که در داستان‌های تاگور به تصویر کشیده شده‌اند ستم‌دیده و مظلوم هستند. اکثر آنها در حال قیام علیه این رسوم ظالمانه هستند.

تاگور به‌وسیله نبودنی در داستان چوکھیر بالی و دامنی در داستان چتورنگ رسم و رواج قدیمی و بیجان را به‌باد مسخره می‌گیرد. هردو این زنان بیوه هستند ولی مخالف اصول ظالمانه جامعه هستند و همه جا در حال اعتراض به این سنت‌ها دیده می‌شوند.

تاگور داستانی به‌نام دوبون (دو خواهر) دارد و در آن زوایای مختلف زندگی زنان نشان داده شده و شخصیت او را دلچسب و با وقار می‌نماید. تاگور می‌گوید: زنان دو نوع هستند یکی مادر و دیگری معشوقه. اگر بخواهیم زن را به فصل‌ها تشبیه دهیم مادر مثل فصل باران است که آب می‌دهد، میوه می‌دهد، تشنگی را دور می‌کند و معشوقه مثل فصل بهار است مست و شوخ و پرجنب و جوش با یک روح ناآرام و پرتلاطم.

تاگور در نامه‌ای می‌نویسد:

”به‌بردگی کشیدن نصف جامعه را اگر به تقدیر الهی نسبت دهیم، بی‌حرمتی به نام پاک اوست که با کنار گذاشتن زن و دور نگه‌داشتن او از جامعه ما چه قدر از پیشرفت باز مانده‌ایم.“

تاگور با نوشته‌های خود می‌خواهد جامعه را از خواب غفلت بیدار نماید. او در جامعه مردان خواستار برابری زن و مرد است و می‌خواهد که زن در توسعه و ترقی جامعه نقش داشته باشد. او در مقاله‌ای می‌نویسد:

”به‌نظر من میدان عمل زن و مرد در دنیا یکی است. هر دو در یک میدان به‌طریق مختلف کار می‌کنند. در جنگ یک دست کمان را نگه می‌دارد و دست دیگر شمشیر زنی می‌کند. زنان باید در تمام بخش‌های زندگی فعال باشند.“

به‌طور خلاصه ما می‌توانیم بگوییم که تاگور در نوشته‌های خود همیشه از زن طرفداری نموده و آنها را ستوده است. او در حمایت ازدواج بیوگان نیز چندین داستان نوشته است. او حتی پسر خود را به ازدواج با یک زن بیوه درآورد و این شعار را در زندگی عملی، نشان داد.